

سایه یک زن پشت بحرانهای دهه ۳۰ ایران

۲۶ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱:۲۲

فردای این قیام خونین مصدق به شاه گفت که ملکه مادر و اشرف دو مانع مهم دوستی و صمیمیت بین ما هستند و باید از ایران خارج شوند: این دومین دوره مسافرت یا (تبعید) اشرف پهلوی است.

سایه یک زن پشت بحرانهای دهه ۳۰ ایران

در دوران زمامداری مرحوم دکتر محمد مصدق سه واقعه مهم تاریخی (۳۰ تیر، ۹ اسفند ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) در ایران به وقوع پیوست. مطلعین و صاحب نظران بر این باور بودند که عامل و کارگردان این سه رویداد تاریخی مهم اشرف پهلوی بوده است. اشرف پهلوی خواهر شاه؛ عبدالحسین هژیر، دکتر منوچهر اقبال، خسرو هدایت، نوری اسفندیاری و احمد دهقان را از گمنامی به اوج شوکت و مقام در صحنه سیاسی ایران رسانید.

اشرف در تعیین وزرای کابینه های ده سال (از ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۲) به استثنای کابینه دکتر مصدق نظر داشت. «اشرف و فوزیه، اشرف و ملکه ثریا، اشرف و قوام السلطنه، دعوت یک فیلمبردار آمریکایی از اشرف برای بازی در فیلم و تا مصدق سرکار است اشرف به ایران باز نخواهد گشت...» این مطلب تیتراژ درشت صفحه اول بعضی از نشریات معروف خارجی و داخلی را در سالهای (۳۱ و ۳۲) تشکیل می داد که قسمت های برجسته و مهم آن از این قرار است: «اگر مدتی اشرف پهلوی به ایران سلطنت کند، سرنوشت این کشور عوض خواهد شد...» این جمله ای است که گاهی در کاخ های سلطنتی تهران شنیده می شود و مادر شاه با گفتن این جمله درد نهانی و نارضایتی خود را از وضع فعلی بیان می کند.

در هفته دوم ماه اوت (۱۹۵۲) اشرف پهلوی وارد پاریس شد تا از آنجا به کالیفرنیا آمریکا برود. در فرودگاه پاریس اشرف پهلوی از حکومت دکتر مصدق تحسین و تمجید کرد و تبعید کننده خود را فردی لایق برای حکومت ایران خواند. ولی خبرنگارانی که در فرودگاه حضور داشتند فهمیدند که این تحسین چقدر برای خواهر جوان شاه ایران ناگوار و رنج آور است.

تقریباً یک ماه قبل موقعی که اشرف پهلوی از سفر هشت ماهه خود در اروپا به تهران بازگشت دکتر مصدق نخست وزیر ایران به ملاقات شاه رفت و گفت: «اشرف باید از ایران برود و گر نه وقایع ناگواری را پیش بینی می کنم.» شاه جواب داد که خواهر او فرد

آزادی است و حق دارد در کشور خود زندگی کند. ولی پیش بینی مصدق به حقیقت پیوست و آن وقایع خونین «سی ام تیر ۱۳۳۱» پیش آمد. پس از این واقعه که مصدق بر سر کار آمد در اولین ملاقات خود با شاه ایران گفت: «من فقط به شرط خروج اشرف از ایران زمامداری را قبول می کنم و اگر شاه می خواهد سلطنت کند اشرف باید از ایران برود. این بار شاه نتوانست جواب رد به مصدق بدهد و به خواهر خود دستور داد که هر چه زودتر ایران را ترک گوید.

دکتر مصدق و تمام اطرافیان او، اشرف پهلوی را گرانبده اصلی حوادث اخیر ایران و یکی از عوامل مهم روی کار آمدن قوام السلطنه و کشتار صدها تن از مردم این کشور می دانند.

به عقیده آنها اشرف بود که نظر شاه را نسبت به دکتر مصدق تغییر داد، مجلس سنا را به مبارزه علیه دولت واداشت، میان شاه و قوام آشتی داد و بالاخره آن تحول سریع و عجیب را در عرض ده روز اقامت خود در ایران فراهم آورد. این اولین بار نبود که اشرف عامل تغییر و تحول تازه ای در ایران شده بود، بسیاری از وقایع و تحولات سیاسی ایران محصول فکر و کار او بود. او نه تنها شاه، بلکه کلیه برادرانش را زیر نفوذ خود داشت و زندگی خصوصی آنها را تحت کنترل خود درآورده بود، اشرف سالها یکه تاز میدان سیاست ایران و حاکم بر دولتهای ایران بود.

به عقیده دکتر مصدق در گذشته بعضی از زنان درباری شاهان را از راه راست منحرف کرده اند و نفوذ و مداخلات اشرف موجب بسیاری از خرابی ها شده است. دکتر مصدق در درجه دوم تاج الملوک (مادر شاه) را متهم در امور سیاسی می کند، ولی او مادر شاه را به اندازه اشرف پهلوی خطرناک نمی داند، نفوذ و مداخلات اشرف پهلوی در امور کشور تقریباً بر همه ایرانیان معلوم است. هر وقت واقعه مهمی اتفاق می افتاد فوراً افکار عمومی متوجه اشرف می شود و همه می گویند کار اشرف بود. چنان که در واقعه روی کارآمدن قوام هم بیشتر حملات متوجه اشرف بود و همه می گفتند: «اشرف آمد و کار خود را کرد».

تمام زندگی سیاسی اشرف عبارت از این حس خودخواهی و جاهطلبی بود. او حاضر نبود نفوذ و قدرت زن دیگری را در خانه سلطنتی به چشم خود ببیند و از این جهت فوزیه همسر اول شاه را (خواهر ملک فاروق پادشاه اسبق مصر) از ایران بیرون راند. او حتی با ازدواج دوم برادر خود با ثریا مخالف بود ولی پس از اینکه دید (ثریا) همسر جدید شاه قدرت طلب نیست و در امور سیاسی به هیچ وجه مداخله نمی کند دست از مخالفت با ثریا برداشت.

اگر در طی سالهای (۱۳۲۱ تا ۱۳۳۳) ده بار بحران سیاسی مهم روی داده باشد اقلأ در پنج بار آن اشرف پهلوی دست داشته است. در این مدت ده سال، اقلأ نیمی از نخست وزیرانی که روی کار آمدند و سالها حکومت کردند را اشرف پهلوی روی کار آورده بود.

اگر سیاستمدارانی مانند ساعد مراغه ای در ایران متوالیاً بر سر کار می آمدند و سالها حکومت می کردند با پشتیبانی و حمایت اشرف پهلوی بوده است زیرا اشرف نخست وزیران ضعیف را بیشتر می پسندید، وزرای کابینه آنها را شخصاً تعیین می کرد و همیشه دوستان او در این کابینه ها اکثریت را در دست داشتند. در میان نخست وزیران ایران اشرف فقط با قوام السلطنه خوب بود، زیرا قوام با وجود قلدری و خودخواهی بر اهمیت و نفوذ اشرف اذعان داشت و اغلب توصیه ها و سفارش او را می پذیرفت. در سال (۱۹۶۴) که بحران آذربایجان، قوام را بر سر کار آورد اشرف به او توصیه کرد که با روسها کنار بیاید، قوام السلطنه سیاست متمایل به چپ را در پیش گرفت و اشرف هم به روسیه شوروی مسافرت کرد. در آن موقع او را متهم به تمایلات چپ کردند ولی بعدها اشرف مورد حمله عناصر دست چپ قرار گرفت و دروغ بودن این ادعا روشن شد.

ستاره اقبال اشرف پهلوی از زمانی رو به افول گذاشت که رزم آرا بر سر کار آمد. رزم آرا بر خلاف رویه اسلاف خود بدون کوچکترین مشورتی با اشرف، کابینه خود را تشکیل داد و به اعتراضات بعدی اشرف هم وقعی نگذاشت. اشرف از این خودسری عصبانی شد و دست به تحریک و کارشکنی علیه دولت زد. رزم آرا از این تحریکات خشمگین گردید و شکایت به شاه برد. رزم آرا حتی در مقام مقابله هم برآمد. به تحریک سپهبد رزم آرا نخست وزیر ایران مطبوعات مهم دنیا مطالب زننده ای علیه اشرف انتشار دادند (اشاره به مقالات مجله تایم و مطبوعات انگلیس) مقارن همین احوال بود که رزم آرا روز (۱۶ اسفند ۱۳۲۹) در مسجد

شاه (سابق) به قتل رسید و باز انظار متوجه اشرف گردید. ولی منطقی نیست که قتل رزم آرا را با اقدامات اشرف مربوط بدانیم زیرا پس از رزم آرا و دوران کوتاه زمامداری حسین علاء مردی در ایران بر سر کار آمد که حتی اجازه اقامت در ایران را به او نداد. دکتر مصدق از همان ابتدای نخست وزیری، با اشرف به مبارزه برخاست. آیه... کاشانی پیشوای مذهبی ایران نیز در این مبارزه او را همراهی می کرد. اشرف که قریب ده سال بر صحنه سیاست ایران سایه افکنده بود، ناگهان خود را در میان طوفانی از مخالفت های قشر عظیم ملت ایران و مقامات مسؤول مهم مملکتی و مذهبی ایران دید و بالاخره تحت فشار دکتر مصدق که متکی بر افکار عمومی بود مجبور به ترک ایران شد.

این مبارزه پنهانی بین اشرف و مصدق ادامه داشت تا اینکه حکومت دکتر مصدق متزلزل و ضعیف گردید و اشرف موقع را برای مراجعت به ایران مناسب تشخیص داد. با مراجعت اشرف به تهران دکتر مصدق فهمید که دیر یا زود جریان بر علیه او عوض خواهد شد و به همین جهت مبارزه با او را تجدید کرد، ولی اشرف خیلی سریع و ماهرانه نقشه های خود را به اجرا گذاشت. قیام اغتشاشی که پس از استعفای دکتر مصدق و روی کار آمدن قوام السلطنه در ایران پیش آمد برای اشرف غیر منتظره بود، معدلک اشرف معتقد بود می توان طغیان را فرو نشاند چنان که یکی از نزدیکان دربار شاه می گوید حتی در روز سی ام تیر شاه را به مقاومت تشویق می کرد ولی شاه که دقیقه به دقیقه از وخامت کار مطلع می شد بالاخره فریاد زد «من با این طغیان شدید که منجر به کشتار بی حساب گردید نمی توانم موافقت نمایم.» و قوام السلطنه را برای استعفای اجباری به کاخ سعدآباد فراخواند. فردای این قیام خونین مصدق به شاه گفت که ملکه مادر و اشرف دو مانع مهم دوستی و صمیمیت بین ما هستند و باید از ایران خارج شوند: این دومین دوره مسافرت یا (تبعید) اشرف پهلوی است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۶۲۷/سایه-افکنانه-پشت-زن-یک-سایه/۲۰۶۲۷>